



## همسرکشی اصلی ترین نوع خشونت خانوادگی

**مجید ابهری- آسیب شناس و رفتارشناس اجتماعی-** با اشاره به مهم‌ترین دلایل این قبیل جنایت‌ها به «ایران» می‌گوید: خشونت‌های خانگی دارای چهره‌ها و ابعاد مختلفی است که اصلی‌ترین آن همسرکشی است. قتل زن به دست شوهر یا بالعکس اغلب به چند دلیل عمده اتفاق می‌افتد. نخستین مساله ضعف مدیریت هیجان‌های رفتاری و ناتوانی در کنترل خشم است که در بسیاری از مواقع منجر به ضرب و شتم و در نهایت قتل می‌شود.

دومین موضوع حضور شخص ثالث در زندگی زوجین و فریب دادن زن یا شوهر خانواده و همکاری با یکی از آنها در راستای حذف طرف مقابل است. سومین مورد، بروز مشکلات روحی - روانی است



ایران

که در بسیاری از مواقع زوجین تمایل و شهامت حضور در نزد مشاور یا ریش سفید فامیل را ندارند که به نوعی این مساله ضعف زوجین به حساب می‌آید. چراکه اگر مشکلات حل نشوند در دراز مدت تبدیل به انباشت مشکلات و بروز حوادث ناگوار می‌شود. به طور کلی در ۷۹ درصد قتل‌ها از سوی مردها نقش قبلی وجود نداشته و مرد به صورت لحظه‌ای و در یک اقدام خشونت‌آمیز توأم با خشم و نفرت مرتکب قتل می‌شود و در مقابل هم می‌بینیم که بیشتر زن‌ها برای قتل همسرشان از شخص دیگری کمک می‌گیرند. همچنین در گفت‌وگو با زنانی که مرتکب قتل و جنایت همسرکشی شده‌اند می‌شنویم سختگیری‌های بسیار شدید و غیرمنطقی، خشونت، بدبینی و مشکلات رفتاری، زنان را به مرحله‌ای رسانده که ادامه زندگی مشترک را برای آنها غیرممکن می‌دانند و در همان زمان هم فرد دیگری با سوءاستفاده از فضای پیش آمده در میان زوج، دست به کار شده و به کمک زن می‌آید. از سوی دیگر اغلب این زنان به‌خاطر باورها و سنت‌های خانوادگی و حتی پافشاری مردها به ادامه زندگی پرتنش، نمی‌توانند به سراغ طلاق بروند و همین مساله باعث می‌شود برخی زن‌ها، تنها راه چاره را از میان برداشتن مرد زندگی‌شان بدانند.

البته در این روش همسرکشی هم به‌طورحتم نباید تصور کرد که زن با شخص ثالث ارتباط عاطفی یا جنسی برقرار کرده. چراکه در بسیاری از مواقع زن فقط به دنبال اجبر کردن فردی است که کار حذف شوهر را بدرستی انجام دهد. به گفته ابهری، در مورد مردها قضیه کاملاً متفاوت است. مردها اغلب بدون برنامه و نقش قبلی دست به همسرکشی می‌زنند. به طوری که در ابتدا مساله با یک جر و بحث آغاز می‌شود و در ادامه با ضرب و شتم و ضربه‌ای به سر و... مرتکب قتل همسرشان می‌شوند که غالباً بعد از بروز قتل هم به سرعت ابراز ندامت می‌کنند اما دیگر فایده‌ای ندارد. در این میان تغییر سبک زندگی و تأثیر استفاده نادرست از شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی هم از مواردی است که در وقوع مساله همسرکشی دخیل است. به همین خاطر بارها تأکید کرده‌ام، همان‌طور که برای جاری شدن صیغه عقد، دریافت گواهی‌های مختلف پزشکی ضروری است، باید اخذ گواهی مشاوره روانشناسی مبنی بر سلامت روان زوجین هم الزامی شود. چراکه بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری در ظاهر افراد مشخص نیست و در زندگی زناشویی آشکار می‌شود. بسیاری از بیماری‌های روحی - روانی از همان دوران کودکی همراه فرد بوده و در بسیاری از مواقع در کوتاه مدت خود را نشان نمی‌دهند اما اگر آزمایش‌های تخصصی روی فرد صورت گیرد به لحاظ علمی می‌توان آن را کنترل کرد و مانع بروز جنایت‌های خانوادگی از جمله همسرکشی شد.

## انتخاب نزدیکترین راه

**دکتر مجید صفاری نیا- روانشناس اجتماعی-** نیز در خصوص پدیده همسرکشی به «ایران» می‌گوید: در روانشناسی و طبقه بندی‌های آن عنوانی به نام همسرکشی نداریم. ما همسرآزاری و خشونت آزاری داریم که می‌تواند به همسرکشی منتج شود. به طورقطع بیشتر افرادی که در زندگی‌شان به پدیده همسرکشی می‌رسند، از عقده‌های پنهانی در وجودشان رنج می‌برند که از گذشته و در دوران کودکی همراهشان بوده است.

نکته دیگر مسائل اختلالات هذیانی است که افراد به بدبینی و شکاکتی انسجام یافته نسبت به



ایران

همسرشان می‌رسند و در یک اقدام جنون‌آمیز دست به قتل می‌زنند. مساله دیگر هم مصرف مواد مخدر و روانگردان‌هاست که افراد پس از مصرف دچار توهمات می‌شوند که در بسیاری از آنها به همسرکشی ختم می‌شود.

البته در بسیاری از مواقع جدایی می‌تواند مانع بروز جنایاتی چون همسرکشی شود اما این مساله را هم باید در نظر داشته باشید که زنان در بحث طلاق مشکلات زیادی را پیش رو دارند. از همان ابتدا عنوان کردن بحث طلاق برای خانواده‌ها نوعی تابو محسوب می‌شود و خانواده‌ها از دخترانشان حمایت نمی‌کنند. پس از آن هم سازمان‌های حمایتی و حقوقی حامی زنان نیستند بنابراین می‌بینیم که زنان تا حد امکان تلاش می‌کنند تا به سمت طلاق نروند اما وقتی زندگی‌شان را در بن‌بست می‌بینند ممکن است هرکاری برای برون رفت از مشکلاتشان انجام دهند.

متأسفانه در کشور ما از مراکز مشاوره و روانشناسی آن‌طور که باید استقبال نمی‌شود و طبق آماری که به دست آورده ایم، از ۱۰۰ درصد زوجین ایرانی، حدود ۶۵ درصد به هیچ عنوان تمایلی به حضور در مراکز روانشناسی و مشاوره ندارند. حدود ۳۵ درصد تلاش می‌کنند تا مشکلاتشان را از طریق مشاوران و روانپزشکان حل و فصل کنند که البته از این تعداد هم حدود ۵۰ درصد تنها یکبار مراجعه می‌کنند و تمایلی به ادامه درمان ندارند. از این‌رو فقط ۱۷ - ۱۸ درصد از زوجینی که دچار مشکل شده‌اند، مشکلاتشان را از طریق مشاوره حل می‌کنند. به اعتقاد من اگر دولت مساله مشاوره پیش از ازدواج را همانند آزمایش‌های جسمی الزامی کند، بسیاری از مشکلات مرتبط با همسرآزاری و همسرکشی اتفاق نمی‌افتد. ما آزمون‌هایی داریم که در کوتاه‌ترین زمان مشخص می‌کند که زوجین مشکلات حاد روانی دارند یا خیر. همین آزمون‌ها می‌تواند در درازمدت باعث انسجام و تحکیم خانواده‌ها شود.

خانواده‌ها و بزرگترهای فامیل هم نباید از رفتارهای غیرطبیعی زوجین به سادگی عبور کنند. وقتی فردی سراغ مواد روانگردان می‌رود قطعاً تغییر رفتارهایی خواهد داشت که خانواده‌ها باید از همان ابتدای تغییرات با مراجعه به مراکز درمانی و قضایی مانع بروز حوادث ناگوار شوند. در مجموع باید بگویم که زوجینی که اقدام به همسرکشی می‌کنند از تفکر و هوش بالایی برخوردار نیستند و عاقبت کارشان را نمی‌بینند. به طوری که اگر افراد قدری عاقبت اندیش باشند و از فکرشان استفاده کنند قطعاً دست به جنایاتی اینچنینی نمی‌زدند. در اغلب مواقع شاهدیم که افراد دم دستی‌ترین برنامه ممکن که همان حذف فیزیکی همسرشان است انجام می‌دهند. این در حالی است که بهترین کار، سنجیده‌ترین کار است.

# همسرت را نکش! کارشناس ها، راه های پیشگیری از جنایت های خانوادگی را بررسی کردند

کامران علمدهی

طرح: هانی انصاری

گروه حوادث / این روزها یکی از مهم‌ترین معضلات مرتبط با خانواده‌ها، موضوع همسرکشی است. مساله‌ای که تنها محدود به ایران نیست و در بسیاری از کشورهای نیز رخ می‌دهد. کارشناس‌ها و صاحب‌نظران مؤلفه‌های مختلفی را در خصوص پدیده همسرکشی مطرح کرده‌اند که نشان می‌دهد در بسیاری از آنها مسائلی چون تفاوت فرهنگ‌ها، مهاجرت به شهرها و باورهای غلط و خرافی نقش بسزایی در بروز همسرکشی دارند. از سوی دیگر نیز باید به نقش خشونت در خانواده‌ها، کمبود مسائل عاطفی و استفاده از مواد روانگردان و مخدر توجه داشت. بررسی بسیاری از پرونده‌های همسرکشی نشان می‌دهد که اگر در خانواده‌های مرد، قربانی همسرکشی شود در اغلب مواقع زن از شخصی کمک گرفته و با نقشه قبلی مرد راه قتل رسانده است و در مقابل هم اگر زن قربانی جنایت خانوادگی شده، در بسیاری از مواقع مرد بدون نقشه قبلی و در یک لحظه مرتکب قتل همسرش شده است. بنابراین در پرونده‌هایی که مردها به قتل رسیده‌اند می‌توان همواره ردپای شخص سومی را در زندگی آن زوج دید. مساله دیگری که در این میان و تا قبل از بروز جرم نادیده گرفته می‌شود، مبحث اختلالات روانی زوجین است. موضوعی که اگر پیش از عقد رسمی و همانند برخی از آزمایش‌های قبل از ازدواج، به آن جدی‌تر نگاه شود، کمتر شاهد بروز چنین جنایاتی خواهیم بود. اختلالات هذیانی (روان پریشی)، پارانوئید (بدگمانی)، کنترل تکانه (انگیزه خطرناک بودن برای خود یا دیگران) و اسکیزوفرنی (توهم‌های جنون‌آمیز) از جمله بیماری‌های روانی است که افراد را در بلندمدت یا کوتاه مدت دچار دسرهایی از جمله همسرکشی می‌کند. نکته دیگری که در خصوص مساله همسرکشی مطرح است، موضوع طلاق است. وقتی مرد یا زنی در یک خانواده اقدام به همسرکشی می‌کند بدان معناست که هر کدام از آنها به مرحله‌ای رسیده‌اند که دیگر ادامه زندگی با شخص مقابل‌شان را بی‌معنا می‌دانند و به تعبیری به بن‌بستی رسیده‌اند که تنها راه خروج از آن را نبودی و کشتن دیگری می‌دانند. در این حالت شاید یکی از بهترین راه‌ها، جدایی زوجین باشد تا ماجرای که در آن دست‌کم یک نفر به قتل برسد و دیگری را هم با چوبه دار و قصاص روبه‌رو کند. با این حال نباید از نقش مشاوره و ترویج آن در جامعه غافل شد. مشاوره زوجین در صورت بروز مشکلات حاد می‌تواند راه‌گشای بسیاری از بن‌بست‌های زندگی باشد و مانع بروز جنایاتی چون همسرکشی و همسرآزاری گردد.



ایران

ناجوری شناخته می‌شود و مردان هم تمایلی ندارند که همسرشان بعد از طلاق با مرد دیگری زندگی یا ازدواج کند. این قبیل مردان زن را مایملک خود می‌دانند و فکر می‌کنند وقتی قرار است زنی در زندگی‌شان نماند، بهتر است برای هیچ‌کس نماند.

البته کمرنگ شدن باورهای دینی و اخلاقی هم نقش بسزایی در بروز جنایت همسرکشی دارد. به هرحال گستردگی فضای اینترنت و ماهواره و استفاده نادرست و غلط از آن یکی از عمده‌ترین آسیب‌هایی است که امروزه به خانواده‌ها ضربه می‌زند. البته شاید برخی فکر کنند چرا وقتی خانواده‌ها به بن‌بست می‌رسند از هم جدا نمی‌شوند و به سراغ طلاق نمی‌روند تا ماجرا به قتل و همسرکشی منتج نشود. در این باره باید گفت که طلاق به این آسانی نیست. در فرهنگ ما طلاق مساله ساده‌ای نیست و بسیاری از خانواده‌ها پراحتی نمی‌توانند با آن کنار بیایند. شاید در مورد خانواده‌هایی که به مشکل برخورداند بهترین و تنهاترین راهکار طلاق باشد. اما در نظر داشته باشید در بسیاری از خانواده‌های ایرانی طلاق برای زنان وصله

## غلبه احساسات بر تفکر

**دکتر امان‌الله قرایی مقدم - جامعه شناس -** نیز معتقد است متأسفانه این پدیده در سال‌های اخیر گسترش پیدا کرده و به طور کلی باید گفت پدیده همسرکشی بیشتر مختص به شهرهاست تا روستاها. چراکه در روستاها نظارت عمومی و فامیلی در جریان زندگی همه اهالی روستا وجود دارد همه از حال هم باخبر هستند اما در شهرها و بخصوص کلانشهرها اغلب مردم و خانواده‌ها از حال هم بی‌خبر هستند و کمتر به مشکلات هم توجه دارند.

فساد اخلاقی، اعتماد و جنون آتی از جمله مباحث اصلی در بروز پدیده همسرکشی است و ما طی سال‌ها تحقیق در زندان رجایی شهر و دانشکده علوم قضایی دانشگاه تهران به این نتیجه رسیدیم که پدیده همسرکشی در شهرهای بزرگ رواج بیشتری پیدا کرده است. ضمن اینکه نوع همسرکشی در میان زنان و مردان و دلایل‌شان تا حد قابل توجهی متفاوت است. برخی از زن‌ها به دلیل ارتباط با جنس مخالف و حذف فیزیکی مانعی به نام همسر، دست به این جنایت می‌زنند اما مردها اغلب به سبب شک، حسادت و بدبینی همسرشان را از بین می‌برند. حتی نوع قتل هم در بین زنان و مردان متفاوت است. زنان سعی می‌کنند تا با ظرافت دست به قتل بزنند و با خوردن سمومی چون قرص یا موادی شبیه به آن، همسرشان را از پا درآورند اما مردها با خشونت مرگ همسرشان